

راهبردهای ارتقای حضور بانوان در امداد فرهنگی

معصومه حریزاوی^۱، مریم اردبیلی^۲، مهدی مولایی آرانی^۳

چکیده

رشد چشمگیر آسیب‌های اجتماعی در دنیای معاصر، منجر به اتخاذ راهبردها و برنامه‌های متعددی گردید که به منظور پیشگیری و کاستن از آثار مخرب این معضلات شکل گرفتند. مفهوم امداد فرهنگی به کنشگری گروهی از افراد، با دغدغه‌ها و مبانی دینی، در عرصه امداد رسانی به آسیب‌دیدگان فرهنگی اجتماعی اشاره دارد. این امدادگران تلاش می‌کنند با اصلاح و تعمیق باورها و عقاید دینی، به پیشگیری و ترمیم آسیب‌دیدگی افراد بپردازند. هدف از انجام این پژوهش بررسی وضعیت و نحوه امدادگری فرهنگی زنان به‌عنوان بخشی از جامعه امدادگران فرهنگی است که از طریق مصاحبه با تنی چند از بانوان امدادگر فرهنگی، به روش تحلیل مضمون و مبتنی بر مدل تحلیلی راهبردی سوات صورت گرفته است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که زنان، علی‌رغم ضعف‌ها و چالش‌های محیطی موجود، از نقاط قوت و توانایی‌های جنسیتی قابل توجهی جهت امداد رسانی به آسیب‌دیدگان اجتماعی برخوردار هستند و همچنین در حال حاضر، فرصت‌های بی‌بدیلی جهت تقویت و بهره‌گیری از چنین ظرفیتی وجود دارد.

■ واژگان کلیدی

امداد فرهنگی؛ زنان؛ بانوان امدادگر فرهنگی؛ آسیب اجتماعی؛ کنشگری.

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مدیریت راهبردی فرهنگ، دانشگاه باقرالعلوم (ع)، قم M.Harizavi22@gmail.com

۲. استادیار گروه مدیریت راهبردی دانشگاه باقرالعلوم (ع)، قم maryam.ardebili@gmail.com

۳. استادیار و عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی. movlaeiarani@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۰۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۲۰

۱. مقدمه

آسیب‌های اجتماعی مسائل نوظهوری برای جوامع نیستند، اما شدت و شیوع آن‌ها در عصر حاضر موجب شده تا در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی‌های کلان‌کشوری در اولویت و اهمیت قرار گیرند. دولت‌ها تلاش نموده‌اند تا با در پیش گرفتن تمهیدات و روش‌های پیشگیری و اصلاحی، گوشه‌ای از آثار زیان‌بار آن‌ها را کاسته و جبران نمایند. اصل مهم به‌کارگیری تمام ظرفیت‌ها جهت برون‌رفت از مسائل ایجاب می‌کند که نیروها و توانمندی‌های داخلی شناسایی شده و با مدیریت صحیح در مسیر حل معضل جریان یابند. یکی از ظرفیت‌هایی که خصوصاً طی سال‌های اخیر نمود بیشتری پیدا کرده، جریان امداد فرهنگی است. امداد فرهنگی عرصه‌ای از امدادگری است که می‌کوشد، مبتنی بر هویت دینی و فرهنگی، شناخت صحیح مسائل و آسیب‌های اجتماعی و علاوه بر آن، شناخت زیست‌بوم افراد و اقتضائات منطقه‌ای و محیطی، به افراد آسیب‌دیده یا در معرض آسیب مدد رسانده و از شدت و شیوع آسیب اجتماعی جلوگیری و پیشگیری به عمل آورد (برگرفته از مولایی آرانی، ۱۴۰۱: ۲۱).

۱۲۲

این نوع از امدادگری که عمدتاً به‌وسیله گروه‌هایی از افراد با دغدغه‌ها و ارزش‌های دینی و فرهنگی رقم خورده، منجر به روی آوردن گروه‌های مختلفی از بانوان طلبه و فرهنگی به کنشگری در عرصه خدمات اجتماعی شده است. دغدغه این مقاله رسیدن به راهبردهایی جهت ارتقای حضور این بانوان در امداد فرهنگی است. بر همین اساس، با استفاده از مدل تحلیل راهبردی سوات^۱، به بررسی نقاط ضعف و قوت و همچنین فرصت‌ها و چالش‌های پیش روی ایشان پرداخته شده است. اهمیت این پژوهش از این حیث است که بخشی از مخاطبان امداد فرهنگی را زنان آسیب‌دیده و در معرض آسیبی تشکیل می‌دهند که در مورد حساسیت و حیاتی بودن نقش آنان در خانواده و جامعه تردیدی وجود ندارد. همین موضوع نشان‌دهنده ضرورت و لزوم بررسی و تحلیل چگونگی حضور و عملکرد بانوان امدادگر فرهنگی در زمینه خدمات اجتماعی است، تا بتوان به‌منظور توسعه و گسترش آن، با دقت نظر بیشتری عمل کرد. بدیهی است که اتخاذ راهبردهای مناسب بر اثربخشی و رشد ایشان تأثیر بسزایی خواهد داشت.

۲. مفهوم‌شناسی و پیشینه

در این بخش، مفاهیم مرتبط با موضوع که عبارت‌اند از «مددکاری اجتماعی»، «امداد فرهنگی» و «تقسیم جنسیتی نقش‌ها» توضیح داده خواهند شد.

۱-۲. مددکاری اجتماعی

«مددکاری اجتماعی» حرفه‌ای است مبتنی بر دانش، اصول و مهارت و روش‌ها که هدف آن کمک به افراد، گروه‌ها و جامعه است تا بتوانند با تکیه بر توانایی‌ها و منابع موجود، برای حل مشکل و یا رفع نیاز اقدام کرده و به استقلال نسبی و رضایت خاطر فردی دست یابند (سام آرام، ۱۳۹۱: ۲۴). مددکاری اجتماعی در دانش و بینش خود از رشته‌های مختلفی چون جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، روان‌پزشکی، مردم‌شناسی، زیست‌شناسی، تعلیم و تربیت، اقتصاد، تاریخ، حقوق و علوم سیاسی و مانند آن کمک می‌گیرد (فرجاد، ۱۳۸۸: ۱۲).

بررسی‌ها نشان می‌دهد در سال ۱۸۹۹ میلادی، اولین مدرسه خدمات اجتماعی در هلند و در سال ۱۹۰۴ میلادی، مدارس مددکاری در آلمان، سوئیس، بریتانیا و آمریکا شروع به فعالیت کردند و در حال حاضر، آموزش مددکاری در سطح دانشگاه‌های کشورهای مختلف و بین‌المللی به‌نحو وسیعی جریان دارد (خاکساری، ۱۳۷۲: ۴۶۴۷) در ایران نیز برای اولین بار، سال ۱۳۳۷ مرکزی جهت آموزش اصولی و تخصصی مددکاری اجتماعی، تحت عنوان آموزشگاه عالی خدمات اجتماعی، توسط ستاره فرمانفرمایان تأسیس شد و مددکاری اجتماعی به شکل مدرن و امروزی آن در کشور دایر گردید (ر.ک: فرمانفرمایان، ۱۳۸۶).

آثار نوشته‌شده در زمینه مددکاری اجتماعی را می‌توان به سه دسته تقسیم نمود. یک دسته از آثار به بیان تاریخچه و مبانی مددکاری اجتماعی اعم از تعاریف، نظریه‌ها، ارزش‌ها و اصول حاکم بر آن می‌پردازند. دسته دوم به بیان تجربه‌ها و خاطرات مددکاران اجتماعی در حیطه‌های مختلف اکتفا نموده‌اند. دسته آخر نیز انواع مددکاری اجتماعی به‌لحاظ مخاطبان را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهند و به‌طور مفصل، به ارائه ابعاد، راهکارها، ابزارها و چالش‌های هر یک می‌پردازند. اما در ادامه، به آثاری در مددکاری اجتماعی اشاره می‌شود که به‌نوعی مرتبط با زنان هستند. در بخشی از این آثار، زنان به‌عنوان عامل و کنشگر در عرصه خدمات اجتماعی معرفی شده‌اند و در بخش دیگر، تأثیرپذیری ایشان از آسیب‌های اجتماعی مورد نظر است.

کتاب *زنان در مددکاری اجتماعی*، نوشته والتون^۱، در خصوص نقش ویژه زنان در مددکاری اجتماعی است. نویسنده با بررسی تاریخچه و روندهای مؤثر بر مشارکت زنان، تلاش می‌کند تا نشان دهد چگونه زنان طی دهه‌های بسیار، با وجود موانعی همچون تبعیض‌های جنسیتی، نقش خاصی در ایجاد و توسعه حرفه مددکاری اجتماعی داشته‌اند. وی با نگاهی به آینده و سهم بالقوه زنان در این حرفه، پیشنهادهایی را جهت چیره شدن بر مشکلات به‌کارگیری زنان در مددکاری اجتماعی ارائه می‌دهد (والتون، ۲۰۲۲).

کارن ساورز هوگ^۲ و دیگران، در پژوهشی با بررسی ادبیات مربوط به اساتید زن مددکار اجتماعی، وضعیت زنان هیئت علمی را در آکادمی مددکاری اجتماعی ایالات متحده ارزیابی کرده و با بیان وجود نابرابری‌ها، نشان می‌دهند که چگونه مربیان زن در برخی زمینه‌ها پیشرفت کندی داشته‌اند. همچنین استراتژی‌هایی همچون زمان منعطف برای درخواست تصدی یا انتشار تحقیقات و پروژه‌ها را برای حمایت از توسعه و حفظ اعضای زن هیئت علمی پیشنهاد می‌کنند (ساورز هوگ و دیگران، ۱۹۹۱: ۳۲۸-۳۲۰).

۱۲۴

پژوهش‌های داخلی مرتبط با آسیب اجتماعی زنان عمدتاً دو دسته‌اند: برخی با دغدغه چిستی و چرایی بروز آسیب‌ها در زنان انجام شده‌اند. دسته‌ای دیگر نیز به دنبال یافتن پاسخی برای چگونگی حل معضل صورت گرفته و به ارائه راه‌حل‌های پیشنهادی ختم شده‌اند. به‌عنوان مثال، هاله پورداوود در پژوهش «آسیب‌شناسی اجتماعی طلاق زنان مهاجر کرج (سال‌های ۹۳۹۸)»، به بررسی علل و عوامل شدت آسیب‌های اجتماعی در زنان مطلقه مهاجر می‌پردازد و از تأثیر عامل فقدان تعلق مکانی در گسترش آسیب اجتماعی، در کنار دیگر عوامل همچون خانواده، اقتصاد، فرهنگ، احساس و ادراک سخن می‌گوید. گلزار کاکاوند در تحقیق «اثربخشی تنش‌زدایی تدریجی و مهارت‌های مقابله‌ای حل مسئله (مسئله‌دار) بر میزان استرس تجربه‌شده در زنان و دختران آسیب‌دیده اجتماعی»، به بررسی اثربخشی آموزش تنش‌زدایی تدریجی و مهارت‌های مقابله‌ای حل مسئله، بر استرس و اضطراب در زنان و دختران آسیب‌دیده اجتماعی پرداخته و بیان می‌دارد که این آموزش بر کاهش اضطراب و استرس زنان و دختران آسیب‌دیده مؤثر است.

1. Walton, Ronald G.

2. Karen M. Sowers-Hoag and Dianne F. Harrison

۲-۲. امداد فرهنگی

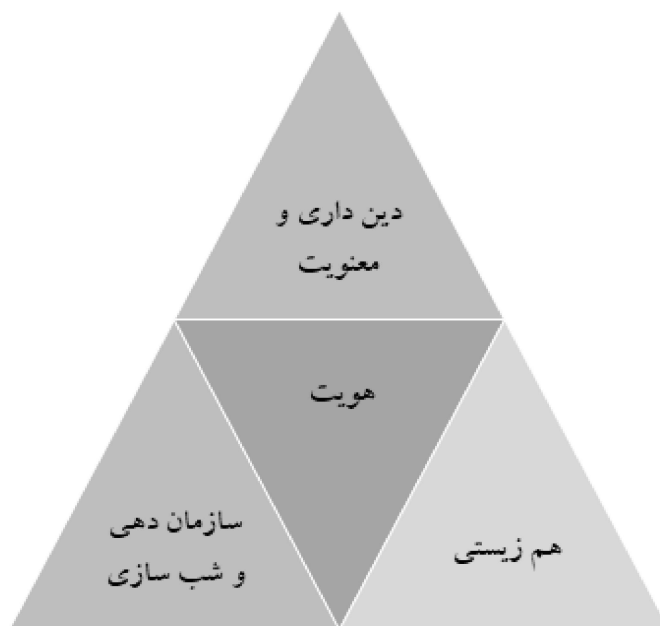
«امداد» به معنای «یاری کردن» و «یاری دادن»، یکی از ارزشمندترین ویژگی‌های انسانی است که همواره در تمامی تمدن‌ها، فرهنگ‌ها و ادیان مورد تأکید و توجه بوده‌است. از همین روی می‌توان تاریخ حیات بشر را آکنده از تجربه‌های فردی و گروهی یاریگری دانست. تاریخ و فرهنگ ایرانی‌اسلامی نیز با باور به این سنت مأنوس بوده، به طوری که قندی معتقد است امداد رسانی سازمان‌یافته و منظم را نمی‌توان موضوع جدیدی قلمداد نمود. وی می‌گوید: مسلماً اگر نام مددکاری و نظام نظری آن، به معنی فنی کلمه و شیوه‌ای خاص آن به صورت یک رشته تخصصی مستقل، تازه باشد، بنیان اساسی آن - حس تعاون - و سنت دستگیری و یاری، در جهان و از جمله در ایران بی‌سابقه و تازه نیست. فرضیه‌ها، دستورها، تأکیدها، تعیین حدود و فرم‌های مددکاری و مددجویی را به آسانی و فراوانی، می‌توان در آثار مذهبی، در قرآن، مجموعه‌های حدیث، نهج‌البلاغه و در مجموعه‌های فقهی، ضمن احکام خمس، زکات، ارث، وقف و مصارف وجوه بریه و بیت‌المال و احکام حسبه و وظایف حاکم شرع و مانند آن جست‌وجو نمود (قندی، ۱۳۹۱).

۱۲۵

ذکر دو نکته در مورد «امداد فرهنگی» حائز اهمیت است: (۱) این لفظ، هرچند بدیع و جدید است، اما کنشی انسانی با تاریخچه‌ای طولانی و قابل توجه است. (۲) با وجود این پیشینه، به لحاظ نظری، کمتر مورد توجه بوده و پژوهش‌های علمی معتبری در مورد آن صورت نگرفته‌است. مفهوم «امداد فرهنگی» را می‌توان در قالب چهار مؤلفه و بُعد تعریف کرد. این ابعاد و مؤلفه‌ها که در شکل زیر ترسیم شده‌است عبارت‌اند از هویت، دین‌داری و معنویت، هم‌زیستی و سازمان‌دهی و شبکه‌سازی.^۱

۱. هویت: بُعد هویت کلیدی‌ترین و پایه‌ای‌ترین مضمون می‌باشد. یک اصل رایج در مددکاری اجتماعی این است که اگر بخواهم به گونه‌ای مؤثرتر عمل نمایم، در ابتدا باید از خود شروع کنم. از این رو می‌توان گفت عامل اساسی در ارتقای پاسخگویی به نیازهای مددجو و واکنش به نیازهای محیطی، شخصیت مددکار است (موسوی چلک، ۱۳۹۵: ۵۴). مهم‌ترین عامل در توانمندسازی و هویت‌بخشی به مددجو که سبب رهاسازی او از وضعیت آسیب‌دیدگی است، وجود هویتی متمایز در شخص امدادگر است. هویت فرد امدادگر، به دلیل ارتباط مستمر با مددجو، در او تسری پیدا کرده و به مرور زمان می‌تواند در مددجو نهادینه شود. بر این اساس، حوزه تأثیر این مؤلفه، به عنوان یک متغیر مستقل، در مقایسه با سایر عوامل بسیار بالا است و از سوی دیگر، میزان پایداری و ثبات این مؤلفه در شخصیت مددجو بسیار بیشتر از سایر مؤلفه‌ها است. هویت مشترک گروه‌های انسانی امدادگر فرهنگی بر سه مؤلفه اصلی استوار است: (۱) معنویت‌گرا (۲) تربیت‌محور (۳) امیدآفرین.

دین‌داری و معنویت: در امداد فرهنگی «دین‌داری و معنویت از سه منظر» مورد توجه قرار می‌گیرد: به مثابه غایت: در این نگاه، غایت و هدف امدادگر فرهنگی حفظ و ارتقای معنویت در شخص مددجو است؛ به مثابه طریق: در این نگاه، امدادگر فرهنگی، در کنار بهره‌گیری از ابزارها و راهکارهای موجود، از ارزش‌ها و باورهای مذهبی مانند توکل، توسل، دعا و ... برای حل مشکلات و مسائل استفاده می‌کند؛ به مثابه معیار: این نگاه نیز یک نگاه حداقلی به ارزش‌ها و باورهای مذهبی و دینی است. بر این اساس، امدادگر فرهنگی خود را ملزم می‌داند راهکارهای پیشنهادی برای حل مشکلات



نمودار شماره (۱)

«امدادگر فرهنگی» فرد، گروه یا نهادی است که تلاش می کند مبتنی بر هویت فرهنگی خود و دانش فرهنگی محیط، از وقوع یا تشدید آسیب فرهنگی اجتماعی جلوگیری کرده و ضمن تقویت هم‌زیستی اجتماعی و شبکه‌سازی با دیگر ظرفیت‌ها، مسیر رشد و ارتقای دین فرد و جامعه را فراهم سازد (مولایی آرانی، ۱۴۰۲: ۷۴۷۵).

۳-۲. تقسیم جنسیتی نقش‌ها

از جمله مباحث مهم حوزه جنسیت^۱، مفهوم نقش جنسیتی است. پرداختن به مفهوم نقش

مددجویان و آسیب‌دیدگان را براساس معیار ارزش‌ها و باورهای مذهبی بسنجد و در صورتی که تعارض با آن‌ها نداشته باشد، راهکارها را عملیاتی می‌کند.

هم‌زیستی: فرهنگ بومی و هم‌زیستی مردم با یکدیگر در یک محیط، از سه ساحت مورد توجه امدادگر فرهنگی است: الف) هم‌زیستی اجتماعی به‌عنوان هدف؛ ب) اصالت‌بخشی به فرهنگ بومی؛ ج) اصلاح فرهنگ بومی.

سازمان‌دهی و شبکه‌سازی: مواجهه امدادگر فرهنگی با قوانین، ساختارها و نهادها از چند منظر مورد توجه است: آشنایی با قوانین و نهادها در مقام ارجاع و پیشگیری تعامل با دولت اسلامی: متناسب با نوع دولت، امدادگر فرهنگی وظیفه دارد گونه‌ای از تعامل با دولت در نظام جمهوری اسلامی را تعریف و عمل کند.

نهادسازی و شبکه‌سازی: سومین منظر مواجهه امدادگر فرهنگی با نهادها و ساختارها، استفاده از این ظرفیت به‌عنوان ابزاری در جهت پیشبرد برنامه‌ها و فعالیت‌های خود است (مولایی، ۱۴۰۱: ۱۵۳۱۶۲).

۱. نقش معانی مختلفی را به ذهن متبادر می‌سازد. یکی از متداول‌ترین مفاهیم آن مرتبط با اعمالی است که هر فرد به مناسبت پایگاه‌هایی که در جامعه دارد انجام می‌دهد (غلامعباس توسلی، ۱۴۰۰: ۳۰۲). برحسب یک اصطلاح متداول در علوم اجتماعی، مفهوم جنس بر ویژگی‌های طبیعی متمایزکننده زن و مرد، مانند تفاوت‌های کروموزومی، اندام‌های جنسی درونی و بیرونی، تفاوت‌های هورمونی و به‌طور کلی، تفاوت‌های فیزیولوژیکی میان زن و مرد دلالت دارد و در مقابل، مفهوم جنسیت به تفاوت‌های رفتاری و روان‌شناختی، اجتماعی و فرهنگی میان زن و مرد که جامعه آن‌ها را تعیین می‌کند، اشاره دارد. این مفهوم از باورهای مردم درباره مردان و زنان و انتظارات متفاوت نسبت به رفتارها، ارزش‌ها و نگرش‌های

جنسیتی بدین لحاظ است که منشأ در اختیار گرفتن نقش‌ها برای هر یک از زن و مرد در جامعه، از دیدگاه‌های مختلف بررسی شود. برای تبیین دلایل شکل‌گیری آن، نظریه‌های مختلفی از جانب صاحب‌نظران مطرح شده است: (۱) نظریه‌های زیست‌شناختی؛ (۲) زیستی اجتماعی؛ (۳) روان‌شناختی؛ (۴) روان‌شناسی اجتماعی؛ (۵) جامعه‌شناختی؛ (۶) ترکیبی.

اما لازمه دریافت نظر دین در مورد تفکیک جنسیتی نقش‌ها، مراجعه به این متون و بررسی آنهاست. ضمن اینکه پاسخ صریح و مستقیمی به‌عنوان ادله این موضوع بیان نشده است و لاجرم باید با استناد به ادله عقلی و نقلی و متون اصلی پیش رفت و در پی دریافت نگاه و رویکرد دین در این مورد شد. در تحقیق پیرامون این مسئله، حسین بستان از چهارچوبی سخن می‌گوید که تمامی عوامل مطرح‌شده در نظریه‌های پیشین را، با لحاظ ترتیب اعدادی تفکیک جنسیتی نقش‌ها، دخیل دانسته و می‌گوید:

مجموعه‌ای از عوامل زیستی، روانی و اجتماعی در فرایندی از کنش متقابل، باعث شکل‌گیری نقش‌های جنسیتی می‌شوند. عوامل زیستی به تفاوت‌های طبیعی زن و مرد، به‌ویژه در سه محور قابلیت‌های تولیدمثل، قدرت بدنی و امیال جنسی اشاره دارند. عوامل روانی به تفاوت الگوهای رشد شخصیت دختر و پسر و به‌طور ویژه، تفاوت زن و مرد در بروز احساسات و تعقل ناظرند و عوامل اجتماعی نیز عوامل فرهنگی، حقوقی و اقتصادی را در بر می‌گیرند (بستان، ۱۳۸۵).

وی ادعان می‌دارد که رویکرد دین به تفاوت‌های طبیعی میان زن مرد، در عین مسلم بودن، جبرگرایانه نبوده و این‌گونه نیست که به‌واسطه این تفاوت‌ها، لاجرم زنان به سمت فعالیت‌های سبک‌تر و وابستگی به حمایت مردان سوق داده می‌شوند. ایشان از یک طرف به احادیثی استناد می‌جوید که تلویحاً بر جنبه‌های ارادی و اختیاری تفکیک جنسیتی نقش‌ها تأکید داشته و از طرف

آنان نشئت می‌گیرد و در مشارکت متفاوت زن و مرد، در اشتغال و کارهای خانگی، در الگوهای متفاوت جامعه‌پذیری پسران و دختران، و حتی برچسب‌های زبانی به‌کاررفته درباره مردان و زنان انعکاس می‌یابد (بستان، ۱۳۹۹: ۲۹). بنابراین، نقش جنسیتی عبارت است از انتظارات غالب در یک جامعه، در مورد فعالیت‌ها یا رفتارهایی که زنان و مردان می‌توانند یا نمی‌توانند در آن‌ها درگیر شوند (کامی پر و همکاران، ۱۹۸۹: ۳۲۵).

این مفهوم با مفهوم تقسیم کار جنسیتی یکسان نیست، زیرا مفهوم نقش ناظر به انتظارات جامعه است که اساساً جنبه ذهنی دارند، درحالی‌که مفهوم تقسیم کار به تقسیم و توزیع واقعی کارها و فعالیت‌ها اشاره دارد. به‌علاوه، مفهوم نقش، رفتارها و طبق برخی تعاریف، نگرش‌ها را نیز شامل می‌شود (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۶۷۳).

از این‌رو، مفهوم نقش جنسیتی را می‌توان با شاخص‌هایی همچون اختصاص پاره‌ای از وظایف و کارهای خانگی یا اجتماعی به یکی از دو جنس (برای نمونه، اختصاص خانه‌داری و تربیت فرزندان به زنان و اختصاص نان‌آوری و رهبری سیاسی به مردان) و نیز انتظار ویژگی‌های شخصیتی و رفتاری متفاوت از هر دو جنس (مانند انتظار روحیه و رفتار عاطفی از زنان و انتظار سلطه‌جویی و حسابگری از مردان) تعریف کرد (بستان، ۱۳۸۵: ۶).

دیگر به تحول نقش‌های جنسیتی در طول تاریخ و در فرهنگ‌های مختلف و همچنین یافته‌های پزشکی در رد باورهای گذشته در مورد اجتناب‌ناپذیر بودن بسیاری از ویژگی‌های جنسی، اشاره می‌نمایند.

۳. روش تحقیق

پژوهش‌های علمی بر مبنای روش‌های معتبر شکل گرفته و اتقان می‌یابند. در این پژوهش، برای گردآوری اطلاعات مربوط به تاریخچه، از روش کتابخانه‌ای بهره جسته و جمع‌آوری داده‌ها به روش میدانی و مصاحبه انجام شده است؛ به این صورت که با نمونه‌برداری غیراحتمالی از نوع هدفمند، ۱۴ تن از بانوان امدادگر فرهنگی انتخاب شدند و مصاحبه صورت گرفت. تحلیل و تفسیر داده‌ها به روش تحلیل مضمون انجام شد که مجموعاً ۳۰ مضمون سازمان‌دهنده و ۱۲ مضمون فراگیر به دست آمد. مفاهیم و مضامین به دست آمده بر اساس مدل تحلیلی راهبردی سوات، ذیل نقاط قوت^۱، ضعف^۲، فرصت‌ها^۳ و چالش‌ها^۴ صورت‌بندی شده و استخراج راهبردها انجام شده است.^۵ طبق این مدل، مبتنی بر تلاقی هر کدام از نقاط با یکدیگر، نوعی از راهبردهای تهاجمی، بازنگری، تنوع و تدافعی به دست می‌آیند. ارزیابی و اعتبارسنجی تحلیل‌ها و نتایج به دست آمده طی جلسات متعدد، بر اساس نقد و نظر خبرگان به سرانجام رسید.

۱۲۸

جدول مصاحبه‌شوندگان بدین شرح است:

جدول (۱): مصاحبه‌شوندگان

ردیف	مصاحبه‌شوندگان
۱	معاون تربیتی دبیرستان ترنج، فعال فرهنگی
۲	استاد حوزه و مؤسس خیریه المهدی
۳	مؤسس کانون فرهنگی مجازی پادا

1. Strength

2. Weakness

3. Opportunity

4. Threat

۵. مدل تحلیل سوات، تکنیکی برای شناخت نقاط قوت و ضعف‌های داخلی و نیز تهدیدها و فرصت‌های موجود در محیط خارجی است که از سوی برخی دانشمندان و صاحب‌نظران همچون توماس ال وین و دیوید هانگر به منظور سنجش وضعیت و تدوین راهبرد برای هدایت و کنترل سیستم ارائه شد (شایسته، ۱۳۹۴). روش‌ها و فنون زیادی برای تحلیل موارد راهبردی در فرایند مدیریت راهبردی می‌تواند به کار برده شود که در میان آن‌ها، مدل تحلیل سوات (SWOT) که فرصت‌ها و تهدیدها و نقاط قوت و ضعف را ارزیابی می‌کند، متداول‌ترین است (هانگر و دیگران، ۱۳۸۴).

ردیف	مصاحبه‌شوندگان
۴	امدادگر فرهنگی در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی، فعال در بخش زندان زنان
۵	مددکار اسلامی، امدادگر فرهنگی در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی، فعال در جذب خیر و کمک به خانواده‌های آسیب‌دیده
۶	استاد حوزه، فعال فرهنگی در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی، مبلغ فعال در جلسات خانگی
۷	فعال فرهنگی در امور بانوان استانداری، مبلغ فعال در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی
۸	مؤسس و مدیر مهد مادر و کودک حسنات قم
۹	مدیر مرکز تخصصی بانوان آفتاب اصفهان
۱۰	مبدع طرح اتاق مادر و کودک تهران، امدادگر فرهنگی
۱۱	دانشجوی دکتری سیاست‌گذاری فرهنگی، امدادگر فرهنگی
۱۲	مشاور امور بانوان شهردار تهران
۱۳	معاون فرهنگی حوزه علمی خواهران اهواز، امدادگر فرهنگی
۱۴	مؤسس و مدیر مقر کتاب اهواز، امدادگر فرهنگی

۱۲۹

۴. یافته‌ها

این بخش شامل دو قسمت کلی است. ابتدا جدول شبکه مضمین، جهت به دست آمدن نگاه کلی نسبت به مضامین (پایه‌ای، سازمان‌دهنده و فراگیر) ارائه شده و سپس توضیحات مضامین فراگیر و ضمن آن مضامین سازمان‌دهنده به صورت مختصر بیان شده است. در قسمت دوم نیز مبتنی بر مدل تحلیلی سوات راهبردهایی استخراج و ارائه شده‌اند.

جدول (۲): شبکه ی مضامین

مضامین پایه‌ای	مضامین سازمان دهنده	مضامین فراگیر	نقاط
هم‌صحبتی گرم و دلنشین	درک و همدلی	ویژگی‌های جنسیتی متناسب با امدادگری فرهنگی	قوت
شنیدن فعال و ارتباط مؤثر			
کمک به تخلیه احساسی و سبک‌بالی مددجو			
نقش تجربه خانوادگی امدادگر در برقراری روابط همدلانه			
بازخوردگیری بهتر از مددجو			
احصای اطلاعات درمورد مددجو از میان درددل‌ها و صحبت‌های عادی			
تحلیل و سازمان‌دهی اطلاعات مددجو (برای شناسایی نقاط قوت و...)			
عدم قضاوت و ارزشیابی مددجو			
انتقال مفاهیم از موضع هم‌سطح و نه از بالا به پایین			
وجود برای خود و وجود برای دیگری			
حمایت از دیگری و نشر بهره‌مندی‌ها و لذت‌ها	عواطف قوی		
تأثیرپذیری زنان از عوامل تحریک‌کننده احساس نیاز آسیب‌دیدگان به محبت و درک شدن			
صبر در اعتمادسازی و برقراری رابطه	صبر و استقامت		
نقش صبر و استقامت در بازدارندگی از آسیب روحی			
صبر و پایداری امدادگر منجر به ایمان و اعتماد مددجو			
استمرار و پیگیری لازمه حل چالش‌ها			

مضامین پایه‌ای	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر	نقاط
خصوصیت جزئی‌نگری در رویکرد زنانه	نگرش متفاوت	ویژگی‌های جنسیتی متناسب با امدادگری فرهنگی	قوت
خصوصیت جامع‌نگری در رویکرد زنانه			
ریشه‌یابی مسائل و مشکلات			
اولویت‌بندی نیازهای مددجو			
استفاده از کوچک‌ترین فرصت‌ها			
هم‌زیستی مستمر با مددجو			
نگاه دقیق بانوی امدادگر بهترین گزینه برای رصد و احصا			
لحاظ نمودن ظرافت‌های جنسی و جنسیتی			
ایجاد ساختارهای متناسب با نیاز	بهره‌گیری از ساختارهای غیرپروکراتیک		
مدیریت ساختارهای منعطف			
جذب و شبکه‌سازی			
کنش‌های برآمده از انگیزه‌های مصلحانه و نه قدرت‌طلبانه	حساسیت بالا نسبت به محیط اجتماعی		
تمایل به رشد پایاپای فردی و جمعی			
آرامش روحی و روانی ناشی از فراغت از دغدغه‌های اقتصادی	اشراف به نگاه اسلام در مورد فعالیت اقتصادی زنان	نداشتن نگاه اقتصادی به امدادگری فرهنگی	
در اختیار داشتن زمان کافی و مفید به دلیل فراغت از مسائل مربوط به امرامعاش			
نقش انگیزه‌های الهی در امدادگری فرهنگی	ایمان به بازتاب عمل خیرخواهانه در زندگی شخصی		
قوی‌تر بودن انگیزه‌های معنوی در میان زنان به دلیل ظرفیت‌های روحی و معنوی			
باور به نصرت الهی و اثرات آن در زندگی شخصی و خانوادگی			

نقاط	مضامین فراگیر	مضامین سازمان دهنده	مضامین پایه‌ای	
ضعف	ضعف گفتمانی زنان امدادگر فرهنگی	عدم خودباوری	عدم باور و اعتماد به توانمندی خود	
		تعدد نقش‌ها و اولویت نداشتن ایفای نقش‌های اجتماعی	مغفول ماندن تاریخ در مورد نقش اثرگذار زنان	بی‌اطلاعی از نقش اثرگذار زنان در اعصار پیشین
			نقش آفرینی زنان در اعصار گذشته	
			تزاخم نقش‌های زنان و عدم اولویت‌بندی	
		تعدد نقش‌ها و اولویت نداشتن ایفای نقش‌های اجتماعی	عدم باور به اولویت و ضرورت مشارکت فعالانۀ اجتماعی زنان در میان قشر طلبه	
		تنوع و تعدد بسترهای فعالیت زنان	تشخیص تکلیف و رسالت خود در عصر حاضر	
		تخصص و مهارت	آموزش‌های حرفه‌ای	روزآمدی مهارت‌ها
	کافی نبودن دغدغه و نیت خیرخواهانه			
	چالش در مدیریت احساسات			درگیری ذهنی و روانی
		فشارهای شدید روحی ناشی از آگاهی نسبت به مسائل اجتماعی	افسردگی	
رفتار نسنجیده		رفتار نسنجیده	پرخاشگری	ایثار نابه‌جا و خارج از عرف
			عدم تفکیک فضای امدادگری از فضای زندگی خانوادگی	وضعیت روحی نامناسب مددجویان
	غفلت از خانواده		مهم‌ترین نقش زن	اهمیت نهاد خانواده

نقاط	مضامین فراگیر	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین پایه‌ای
فرصت	پیوند میان ماهیت امداد و ویژگی‌های زنان در امدادگری	خصوصیات ملازم با امدادگری	نوع دوستی امدادگر
			اصول و ارزش‌های اخلاقی و انسانی
			توانایی در برقراری رابطه
			صبر و بردباری
		ویژگی‌های مشترک میان ماهیت امداد و رویکرد امدادگری زنان	مهربانی و عطوفت
			توانایی در شناخت افراد
			خلاقیت در حل چالش‌ها
			امیدآفرینی
			انگیزه‌های الهی
			اخلاص
			توانایی برقراری روابط همدلانه
	آستانه بردباری زنان	التزام به ارزش‌های اخلاقی	
		آستانه بردباری زنان	
	اقبال به امدادگری زنان	هم‌سویی امداد فرهنگی با ارزش‌های والای انسانی و معارف دینی	حفظ فروتنی و خضوع
			همکاری داوطلبانه
			ایثار و فداکاری
			نوع دوستی
			رابطه عمیق و درهم‌تنیده امداد فرهنگی با رسالت طلاب علوم دینی
			تعاون
			نیکوکاری
			امر به معروف و نهی از منکر
			اصلاح امور مسلمین
			انفاق، وقف و خیرات
اصلاح روابط بین افراد و ایجاد صلح			
تربیت نسل صالح			

مضامین پایه‌ای	مضامین سازمان دهنده	مضامین فراگیر	نقاط
مسئولیت پذیری و پیگیری‌های زنان امدادگر	عملکرد مثبت زنان امدادگر در بحران‌های طبیعی اخیر	اقبال به امدادگری زنان	
دقت و توجه به مسائل روحی و روانی مددجویان			
رعایت ظرافت‌های تربیتی و اخلاقی در خدمت‌رسانی			
تلاش و پشتکار جهادوار در تسهیل شرایط برای مددجویان			
مدیریت نیروهای انسانی و مادی			
توانایی در جذب			
خلاقیت و نوآوری در اجرای طرح‌های خدماتی و امدادی			
تلاش برای زنده کردن امید و معنویت در دل آسیب‌دیدگان			
مغتنم شمردن فرصت‌ها			
رصد و شناسایی آسیب‌های نهفته			
نیاز به الگوی در دسترس	ضرورت مشارکت هر چه بیشتر طلاب خواهر	فرصت	
آسیب‌های اجتماعی در جامعه زنان			
فاصله زیاد موقعیت فعلی زنان با جایگاه حقیقی زن از نظر اسلام			
مقابله الگوی زن غربی با الگوی زن مسلمان			
نیاز جامعه و نظام اسلامی به نقش‌آفرینی زنان			
فعالیت‌های فرهنگی متنوع	درک‌شدگی ضرورت مشارکت هر چه بیشتر بانوان طلبه		
حرکت‌های خودجوش			
مطالبه‌ها و پیشنهادهای برخی از بانوان طلبه			
جهت‌گیری دروس به سمت کاربردی شدن			

مضامین پایه‌ای	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر	نقاط
دغدغه تربیت طلاب کنشگر	در میان مدیران و متصدیان حوزه‌های علمیه خواهران	درک‌شدگی ضرورت مشارکت هرچه بیشتر بانوان طلبه	فرصت
برنامه‌ریزی جهت زمینه‌سازی برای حضور بانوان در حوزه‌های مدیریتی			
تعیین جایگاه			
به رسمیت شناخته شدن			
ارتباط دوسویه میان محیط و مددجو	اهمیت محیط در مددکاری		
کارکردهای متنوع محیط			
اشراف همه‌جانبه امدادگر به محیط			
تکثر مدل‌های محیطی			
خیریه‌ها و مؤسسات خرد محلی	محیط‌های در اختیار	تعدد و تنوع محیطی	
زندان‌ها و ندامتگاه‌های زنانه			
محافل فرهنگی و آموزشی کوچک			
محافل خانوادگی			
سازمان‌ها، ادارات و فضاهای آموزشی			
جلسات خانگی			
شبکه‌های اجتماعی و ابزارهای ارتباطی			

نقاط	مضامین فراگیر	مضامین سازمان دهنده	مضامین پایه‌ای
چالش	آسیب‌های احتمالی امدادگری فرهنگی برای زنان	خطرات فیزیکی ناشی از حضور در محیط‌های خاص	زندان‌ها و کمپ‌های ترک اعتیاد
			محله‌های جرم‌خیز
			جمع فرقه‌های انحرافی
		سوءاستفاده مددجو از امدادگر	زیاده‌خواهی مادی مددجو از امدادگر
		هتک حرمت و آبروی امدادگر	خرج کردن از سرمایه اجتماعی امدادگر
			تهمت و افترا
	محدودیت ساختارها و قوانین	عدم حمایت نهادهای ذی‌ربط	چیرگی نگاه و مدیریت مردانه بر جریان امداد فرهنگی
			اختصاص بیشتر منابع به حل مشکلات معیشتی و مغفول ماندن مشکلات فرهنگی
			عدم تفکیک میان امدادگری اجتماعی و امدادگری فرهنگی در ذهن مددجویان
		محدودیت فرهنگی و بومی	عدم باور به توانمندی بانوان در زمینه امداد
	محدودیت‌های اثرگذار بر امداد فرهنگی بانوان	محدودیت خانوادگی	مخالفت با فعالیت اجتماعی زنان
			مخالفت جدی خانواده با فعالیت زن در بیرون از خانه
مخالفت جدی خانواده با امدادگری زن			
محدود نمودن بانوی امدادگر در نحوه امدادگری (مثلاً زمان رفت‌وآمد و ...)			
بی‌ارزش شمردن کار امدادگری فرهنگی از نظر خانواده			
تلفیق نقش امدادگری فرهنگی با وظیفه تربیت فرزند			

۴-۱. نقاط قوت

نقاط قوت ویژگی‌های تمایزبخش موضوع موردبررسی بوده و شامل منابع داخلی، دارایی‌های ملموس و هر آن چیزی هستند که به‌عنوان قابلیت و تمایز، سازنده و مؤثر تلقی گردد. در اینجا خصوصیات و ویژگی‌های مثبت امدادگری زنان به‌عنوان نقاط قوت، ذیل دو مضمون فراگیر دسته‌بندی شده‌اند. تقویت و بهره‌برداری صحیح از این نقاط بر رشد و شکوفایی این نوع از امداد اثرگذار خواهد بود.

۴-۱-۱. ویژگی‌های جنسیتی متناسب با امدادگری فرهنگی

از آنجا که مخاطبان هر نوع امداد افراد آسیب‌دیده‌ای هستند که به طریقی دچار مشکل شده‌اند، ارتباط با ایشان و امدادسانی به آن‌ها نیازمند برخورداری از برخی توانمندی‌ها و خصوصیات است. به عبارت دیگر، روح حاکم بر امدادگری بهره‌مندی از برخی ویژگی‌ها و شایستگی‌ها را می‌طلبد. بخشی از این ویژگی‌ها در زنان ظهور و بروز بیشتری دارد و به‌جهت هم‌سویی و سازگاری با روح زنانه، زنانه‌تر رخ می‌نماید، به‌گونه‌ای که به امدادگری فرهنگی نیز چهره زنانه بخشیده‌است. زنان به‌واسطه بهره‌مندی و یا به‌کارگیری قابل توجه این خصوصیات، امدادگری متفاوتی را رقم زده‌اند، به‌گونه‌ای که بسیاری از مددجویان از ارتباط با این افراد، نوع رفتار و نحوه حل مسائل خود ابراز رضایت داشته‌اند. به‌عنوان مثال، دقت و جزئی‌نگری در زنان که ذیل نگرش متفاوت قرار دارد موجب شده تا ایشان گزارشگران بسیار دقیقی در مورد وضعیت، محیط و نیازهای مددجو باشند. این ویژگی‌ها به‌عنوان مضامین سازمان‌دهنده ذیل مضمون «ویژگی‌های جنسیتی مناسب با امدادگری فرهنگی» صورت‌بندی شده‌اند: (۱) همدلی؛ (۲) دگرخواهی؛ (۳) عواطف قوی؛ (۴) صبر و بردباری؛ (۵) نگرش متفاوت؛ (۶) بهره‌گیری از ساختارهای غیربروکراتیک؛ (۷) حساسیت بالا نسبت به محیط اجتماعی.

۴-۱-۲. نداشتن نگاه اقتصادی به امداد فرهنگی

دومین مضمون فراگیر که به‌عنوان نقطه قوت امدادگری زنان مطرح می‌گردد آن است که نسبت به این فعالیت نگاه اقتصادی نداشته و از آن انتظار درآمدزایی ندارند. توضیح دو نکته درخصوص این مضمون لازم می‌آید. اول اینکه مبانی دینی و انگیزه‌های معنوی به شکل‌گیری این باور کمک کرده و موجب شده بسیاری از بانوان امدادگر فرهنگی با انگیزه‌های خیرخواهانه و مصلحانه وارد این عرصه شوند. براساس مبانی دینی، زنان مسئول امرارمعاش خود و خانواده نبوده

و در این مورد تکلیف و وظیفه‌ای برعهده آنان نیست. این اصل مهم موجب شده تا زنان فراغت ذهنی و زمانی بیشتری داشته و اقبال بیشتری به این قبیل فعالیت‌ها داشته باشند. همچنین این موضوع منجر شده تا زنان در رسیدگی به مددجویان به شدت به انگیزه‌های معنوی معتقد بوده و ایمان به بازتاب آن در زندگی خصوصی خود داشته باشند. دوم آنکه این موضوع از یک سو به معنای عدم جواز و یا توانمندی زنان در انجام فعالیت‌های اقتصادی نیست و علاوه بر آن، به معنای سلب تکلیف از متولیان و مسئولان سامان‌دهی و ساختارسازی جهت اتخاذ تدابیر مالی برای امدادگران نیست. اشراف به نگاه اسلام در مورد فعالیت اقتصادی زنان و ایمان به بازتاب عمل خیرخواهانه در زندگی شخصی، دو مضمون سازمان‌دهنده هستند که ذیل این مضمون قرار دارند.

۴-۲. نقاط ضعف

نقاط ضعف متغیرهایی هستند که در وضعیت مطلوبی به سر نمی‌برند و باید بهبود یابند؛ در غیر این صورت برای فرد، نهاد یا هرگونه ساختاری مشکل‌ساز خواهند بود. در ادامه، به مواردی پرداخته خواهد شد که به‌گونه‌ای مشکلات درونی زنان در امداد فرهنگی به شمار آمده و باید جهت برطرف نمودن آن‌ها برنامه داشت.

۴-۲-۱. ضعف گفتمانی زنان امدادگر فرهنگی

برخی از بانوان امدادگر فرهنگی، در عین پرداختن به دشواری‌های زندگی مردم و به دست آوردن توفیقات بسیار در حل مشکلات آن‌ها و فراتر از آن کنشگری در حل مسائل اجتماعی، به‌واسطه ناآشنایی با پیشینه هم‌جنسان خود در اعصار گذشته به‌عنوان اسوه و الگو و همچنین ناباوری به توانمندی خود^۱، نتوانسته‌اند به اهمیت و حساسیت واقعی نقش خود کاملاً آگاه شوند و در گام بعدی، در پرتو خودآگاهی به‌دست‌آمده، جایگاه خود را در این میان تعیین نمایند، براساس آن اقدام کرده و به جامعه خویش معرفی نمایند. به همین دلیل شاهد آن هستیم که علاوه بر محدودیت‌های ساختاری و فرهنگی، با عامل دیگری مواجهیم که در شکل‌گیری وضعیت کنونی زنان امدادگر فرهنگی مؤثر بوده‌است. از این عامل تعبیر به ضعف گفتمانی شده‌است. مضامین سازمان‌دهنده این مضمون عبارت‌اند از (۱) عدم خودباوری؛ (۲) تعدد نقش‌ها و اولویت نداشتن ایفای نقش‌های اجتماعی؛ (۳) شناخت ناکافی از پیشینه.

۱. برجسته‌ترین عللی را که موجب عدم حضور پررنگ زنان در حوزه‌های مختلف شد، می‌توان به سه عامل زیر مرتبط دانست: عدم خودباوری زنان، حاکمیت نظام پدرسالارانه که بسترهای قانونی و عرفی را محدود ساخته‌است؛ وجود قوانینی که مسئولیت تأمین هزینه زندگی را به‌عهده مرد گذاشته و بدین طریق دامنه فرصت‌های کاری را برای زنان کاهش داده‌است (ناتانیل، ۱۳۸۶).

۴-۲-۲. تخصص و مهارت

برای انجام صحیح و موفقیت‌آمیز انواع وظایف شغلی و غیرشغلی، نیاز به دانش، توانایی و صلاحیت وجود دارد. روی آوردن بانوان به امدادگری فرهنگی به صرف داشتن دغدغه و نیت خیرخواهانه هر چند با اندک مهارتی همراه باشد، کفایت لازم را نداشته و قطعاً در ادامه فعالیت با مشکلات دیگری مواجه خواهند شد. بنابراین با توجه به پیچیدگی‌های وضعیت کنونی در ارتباط با مددجویان، انواع چالش‌های آنان، مسائل اجتماعی نوظهور و دیگر اقتضائات خاص این فعالیت، نیاز به گذراندن دوره‌های آموزشی، کسب مهارت‌های به‌روز و مرتبط و علم و آگاهی خاص این قبیل فعالیت‌ها به شدت احساس می‌شود. این مضمون فراگیر یک مضمون سازمان‌دهنده دارد: آموزش‌های حرفه‌ای.

۴-۲-۳. چالش در مدیریت احساسات

با وجود اینکه احساسات و عواطف زنان منشأ آثار و برکاتی برای خود آنان و جامعه است، در صورتی که در حالت تعادل نگه داشته نشود، منجر به بروز آسیب‌ها و نابسامانی خواهد شد. یکی از موضوعاتی که همواره فعالیت زنان در این محیط را دچار خطر می‌کند، «چالش در مدیریت احساسات» است. امدادگری فرهنگی از آن دسته حرفه‌هایی است که روحیه مستحکم و نشاط مضاعف می‌طلبد. تحمل فشار روحی ناشی از همدلی و همدردی با مددجویان و درگیر شدن با مشکلات آنان، استمرار ارتباط با سوژه‌هایی که باید روند حل مشکلاتشان طی شود، سوءاستفاده‌های احتمالی و ایجاد مشکلات متعدد در محیط کار و زندگی برای بانوی امدادگر، باور نادرست احیای همه مددجویان، فشارهای شدید روحی ناشی از آگاهی نسبت به مسائل اجتماعی، عدم باور به خود و اعتماد به نفس، سبک اشتباه زندگی و فعالیت طولانی مدت، کاهش حال روحانی و معنوی، انتخاب مورد نادرست جهت احیا و امدادسانی، امدادگری طولانی مدت در محیط‌های نامساعد، همگی عواملی هستند که در صورت عدم کنترل و مدیریت ذهنی و احساسی، منجر به درگیری عاطفی و مشغله‌های روح و روان امدادگران می‌شوند و آنان را دچار خستگی و فرسایش می‌نمایند. در نتیجه عدم کنترل احساسات و سبقت گرفتن عواطف، رفتارهای نسنجیده‌ای همچون پرخاشگری، ایثارهای ناب‌جا، خارج از عرف و غیرکارشناسانه، مداخله‌های نامناسب و آسیب‌زننده، عدم تفکیک فضای امدادگری از فضای زندگی خانوادگی و ... پیش خواهد آمد که امدادگر، مددجو، محیط و سازمان و نهاد مربوطه را در سطح دیگری از آسیب‌ها گرفتار خواهد نمود. ذیل این مضمون، دو مضمون سازمان‌دهنده درگیری ذهنی و روانی و رفتارهای نسنجیده قرار دارند.

۴-۲-۴. غفلت از خانواده

یکی از آسیب‌های پیش روی بسیاری از افراد جامعه، خصوصاً آنان که مسئولیت و مشغله بسیار دارند، غفلت از خانواده است. جایگاه زنان و مادران به جهت حساسیت و تأثیرگذاری نقشی که در رشد و بالندگی تک‌تک اعضای خانواده از یک طرف و اعتلای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه از طرف دیگر دارند، بسیار حائز اهمیت است. پیامبر اکرم در این مورد می‌فرماید: زن شایسته یکی از دو عامل پیشرفت در خانواده است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۳: ۲۳۸، ح ۳۹). لذا یکی از ضرورت‌های هر خانواده‌ای تدبیر و توجهات مادرانه است که در سایه آن، یکایک اعضا از محبت و آرامش برخوردار بوده و سیر تکاملی خود را سپری می‌نمایند. واضح است که غفلت محور خانه و خانواده از اعضا و امورات ایشان، چه آسیب جدی‌ای را متوجه آن‌ها می‌نماید. یکی از مواردی که به‌عنوان ضعف و یا هشدار جدی در خصوص امدادگری بانوان وجود دارد این موضوع است. ذیل این مضمون فراگیر، یک مضمون سازمان‌دهنده وجود دارد: مهم‌ترین نقش زن.

۴-۳. فرصت‌ها

متغیرهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و تکنولوژیکی مثبتی که در رشد و شکوفایی فعالیت امدادی بانوان مؤثر هستند فرصت تلقی می‌شوند. کشف و شناسایی به‌موقع و بهره‌برداری درست از این نقاط، در سامان‌دهی به کنشگری زنان در این میدان کمک می‌کند. در ادامه، چهار مضمون کلیدی به‌دست آمده توضیح داده خواهند شد.

۴-۳-۱. پیوند میان ماهیت امداد و ویژگی‌های زنان در امدادگری

پذیرش و ایفای نقش امدادگری، دارا بودن برخی شرایط و ویژگی‌ها را می‌طلبد. برخی از این ویژگی‌ها عبارت‌اند از حفظ اصول و ارزش‌های اخلاقی و انسانی، صبر و بردباری، نوع‌دوستی، مهربانی و عطف، کنترل احساسات. همچنین می‌توان به توانایی در شناخت افراد و فرهنگ‌ها، خلاقیت در حل چالش‌ها، امیدآفرینی، انگیزه‌های خیرخواهانه و معنوی، اخلاص و ...، به‌عنوان دیگر ویژگی‌های لازم برای امدادگری اشاره نمود. در میان خصوصیات برشمرده‌شده برای امدادگری، مواردی وجود دارند که با رویکرد امدادگری زنان مشترک بوده و در بخش مربوط به نقاط قوت به آن‌ها اشاره شد. این ویژگی‌ها که تمایزبخش مدل امدادگری زنان بوده‌اند، با ویژگی‌های لازم برای امدادگری مشترک هستند. این پیوند عمیق نشان‌دهنده جنس زنانه و مادرانه امدادگری است که می‌توان آن را به‌عنوان یک فرصت دیگر ذکر کرد. مضامین سازمان‌دهنده این مضمون: (۱) خصوصیات ملازم با امدادگری؛ (۲) ویژگی‌های مشترک میان ماهیت امداد و رویکرد امدادگری زنان.

۴-۳-۲. اقبال به امدادگری زنان

مجموعه‌ای از عوامل موجب جلب نظر و شکل گرفتن دیدگاه مثبت نسبت به امدادگری زنان شده‌اند. این موضوع به‌عنوان یک متغیر اجتماعی فرهنگی، تأثیر بسزایی بر عملکرد کوتاه‌مدت و بلندمدت امدادگری زنان گذاشته و به‌عنوان یک فرصت ارزشمند به شمار می‌آید. عواملی که در شکل‌گیری این نگاه دخالت داشته‌اند به‌عنوان دو مضمون سازمان‌دهنده بیان شده‌اند: (۱) هم‌سویی امداد فرهنگی با ارزش‌های والای انسانی و معارف دینی؛ (۲) عملکرد مثبت زنان امدادگر در بحران‌های طبیعی اخیر.

۴-۳-۳. درک‌شدگی ضرورت مشارکت هرچه بیشتر طلاب خواهر

از آنجا که بانوان کنشگر عرصه امداد فرهنگی غالباً از میان طلاب خواهر هستند، فرصت ذکرشده با تمرکز بر وضعیت مشارکت ایشان صورت‌بندی می‌شود.

رسیدن به مرحله احساس نیاز و درک لزوم مشارکت هرچه بیشتر بانوان طلبه یک فرصت است. شکل‌گیری زمینه‌های فکری و عملیاتی همچون نشست‌ها، جشنواره‌ها، طرح‌ها و دوره‌های آموزشی و مهارتی جهت ارتقای سطح کمی و کیفی حضور بانوان طلبه، از نشانه‌های قابل‌شناسایی این درک‌شدگی در میان بانوان طلبه و مدیران و مسئولان حوزه‌های علمیه خواهران است. پژوهش‌های متعددی که در قالب رساله و مقاله توسط طلاب خواهر به‌واکاوی این مسئله مبتنی بر دیدگاه دین پرداخته‌اند، از دیگر موارد قابل‌توجه هستند.

(۱) ضرورت مشارکت هرچه بیشتر طلاب خواهر؛ (۲) در میان بانوان طلبه؛ (۳) در میان مدیران و متصدیان حوزه‌های علمیه خواهران.

۴-۳-۴. تعدد و تنوع محیطی

در اختیار داشتن محیط‌های مختلف و گسترده یکی از فرصت‌هایی است که محیط بیرونی در اختیار زنان قرار داده‌است. در سطح جامعه، محیط‌ها و فضاهای مختلف با اهداف کارکردهای متنوعی وجود دارند. این محیط‌ها بر همین اساس، بر وضعیت شناختی، هیجانی و رفتاری مخاطبین خود اثر می‌گذارند؛ اما این تأثیر یک‌جانبه نبوده و در بسیاری از مواقع محیط‌ها از افراد تأثیر می‌گیرند. درواقع میان محیط و افراد جامعه ارتباط دوسویه‌ای وجود دارد که می‌توان از آن به نفع هر دو طرف سود جست.

خبریه‌ها و مؤسسات خرد محلی، زندان‌ها و ندامتگاه‌های زنانه، محافل فرهنگی و آموزشی کوچک، محافل خانوادگی، سازمان‌ها، ادارات و فضاهای آموزشی و ... همگی محیط‌های مستعدی جهت امداد رسانی فرهنگی و ایجاد تغییرات در بهبود وضعیت آسیب‌دیدگی اجتماعی زنان دارند. (۱) اهمیت محیط در مددکاری و امدادگری؛ (۲) محیط‌های در اختیار.

۴-۴. چالش‌ها

محیط بیرونی حامل تهدیدهایی برای بانوان در مسیر امدادگری است. شرایط نامساعدی که آثار و پیامدهای ناشی از آن، کمیت و کیفیت حضور بانوان در این عرصه را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. این عوامل نیز همچون فرصت‌ها، انواع متغیرهای ذیل این بُعد از مدل تحلیلی دو مضمون فراگیر جای دارند. (۱) آسیب‌ها؛ (۲) محدودیت‌ها.

۴-۴-۱. آسیب‌ها

هر نوع تغییری که امنیت و سلامت روحی و جسمی امدادگر را تهدید نموده و منجر به بروز آثار منفی و مخرب درمورد وی و محیط پیرامون او گردد، آسیب تلقی می‌شود. آسیب‌های شناسایی شده، براساس تجربه امدادگران فرهنگی، نقش بسزایی در کاهش عملکرد مثبت و بازدهی ایشان داشته و در بسیاری از مواقع منجر به ترک همیشگی این حرفه می‌شود.

نحوه عملکرد بانوی امدادگر فرهنگی، قوانین و ساختارها، نهادها و سازمان‌های ذی‌ربط و همچنین بافت‌های فرهنگی و بومی، همچنان که در پیدایش این آسیب‌ها نقش دارند، در ترمیم و اصلاح آن‌ها نیز اثرگذار هستند. مضامین سازمان‌دهنده ذیل این مضمون فراگیر عبارت‌اند از (۱) خطرات فیزیکی ناشی از حضور در محیط‌های خاص؛ (۲) سوءاستفاده مددجو از امدادگر؛ (۳) هتک حرمت و آبروی امدادگر.

۴-۴-۲. محدودیت‌ها

روح حاکم بر جوامع فرهنگ است. فرهنگ ارزش‌ها و باورها و به تبع آن رفتارهای بشر را جهت می‌دهد و منجر به دگرگونی تمام مناسبات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی می‌شود. در این میان، نمی‌توان الگوهای فرهنگی محدودگر حاکم بر جامعه را نادیده گرفت، چراکه در کنار دیگر ارکان فرهنگی، اثرگذاری خود را خواهند داشت. در اینجا سخن از الگوهایی است که منجر به محدودیت فعالیت و مشارکت اجتماعی زنان شده‌اند. این کلیشه‌ها و الگوهای غلط موجب القای باور عدم ضرورت حضور ایشان در میادین مختلف حیات اجتماعی و تزریق ناباوری به توانمندی

زنان برای انجام این قبیل فعالیت‌ها، حتی در میان خود زنان و دختران جامعه شده‌است. متأسفانه این الگوها به دلیل کثرت قومیت‌ها و فرهنگ‌ها در کشور متعدد و متفاوت‌اند، اما وجه اشتراک همگی آن‌ها آن است که زنان را به صورت مستقیم و غیرمستقیم محدود نموده، از دستیابی به موقعیت‌ها و جایگاه‌های مهم بازدارند.

برخی از این کلیشه‌های فرهنگی عبارت‌اند از تفکرات مردسالارانهٔ جامعه، عدم باور به توانمندی زنان به نقش‌آفرینی در حل معضلات و چالش‌های اجتماعی، تزاخم میان برخی نقش‌ها و فعالیت‌های اجتماعی و اصل حیا و عفت در زنان، دانستن فلسفهٔ وجودی زنان در تولیدمثل و تربیت نسل، باور به عدم لزوم حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی سیاسی و اقتصادی و فرهنگی، حضور زن در حوزهٔ خصوصی خانه و خانواده به دلیل شرایط جسمی و لطافت‌های روحی، باورهای غلط زنان در خصوص فعالیت‌های اجتماعی خود.

زنان همواره با این الگوهای فرهنگی و رفتاری زندگی کرده‌اند و در ارتباط با آن‌ها دو راه را در پیش گرفته‌اند. عده‌ای از ایشان این کلیشه‌ها را پذیرفته و با آن‌ها همراه و هم‌نوا شده‌اند و عدهٔ معدودی نیز با عدم پذیرش و باور به درستی آن‌ها سعی در اصلاح وضعیت خود داشته‌اند. بانوان امدادگر فرهنگی نیز از این شرایط تحمیلی مصون نبوده و طی مدت فعالیت خود با موارد متعددی از این دست مواجه بوده‌اند که فعالیت امدادگرانهٔ ایشان را با مشقت همراه می‌ساخت. محدودیت‌های بانوان امدادگر ذیل سه مضمون سازمان‌دهنده خلاصه شده‌اند: (۱) فرهنگی و بومی؛ (۲) ساختارها و قوانین؛ (۳) خانوادگی.

۴-۵. راهبردها

هدف از به دست آوردن نقاط ضعف، قوت، فرصت‌ها و چالش‌های امدادفرهنگی بانوان آن است که با بررسی رابطهٔ موجود میان این نقاط و تأثیر و تأثر آن‌ها بر یکدیگر، گزینه‌های راهبردی پیش روی آن‌ها شناسایی گردد. در ادامه جدول راهبردهای پیشنهادی ارائه شده‌است.

جدول شماره (۳): راهبردها

عوامل داخلی		ماتریس		
نقاط ضعف (W)	نقاط قوت (S)			
<p>۱. عدم خودباوری</p> <p>۲. تعدد نقش‌ها و عدم اولویت‌بندی در ایفای آن‌ها</p> <p>۳. عدم آگاهی نسبت به نقش آفرینی زنان در اعصار گذشته</p> <p>۴. فقدان تخصص و مهارت</p> <p>۵. درگیری ذهنی و روانی</p> <p>۶. رفتار نسنجیده</p> <p>۷. غفلت از خانواده</p>	<p>۱. درک و همدلی</p> <p>۲. دگرخواهی</p> <p>۳. عواطف قوی</p> <p>۴. صبر و استقامت</p> <p>۵. نگرش متفاوت به مسائل</p> <p>۶. تمایل بیشتر به ساختارهای غیرپروکراتیک</p> <p>۷. حساسیت بالا نسبت به محیط اجتماعی خود</p> <p>۸. نداشتن نگاه اقتصادی به امدادگری فرهنگی</p> <p>۹. ایمان به بازتاب عمل خیرخواهانه در زندگی شخصی</p>	<p>رویدادها (O)</p>	<p>تهدیدها (T)</p>	<p>عوامل خارجی</p>
<p>• استراتژی WO</p> <p>• تعیین جایگاه در حل مسائل اجتماعی</p> <p>۳-O1-W3</p> <p>• اعطای فرصت ورود به عرصه‌های کلان</p> <p>تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری W1-2-4-T3-4</p> <p>• کشف فضاها و محیط‌های مناسب جهت امدادگری فرهنگی W5-W7-O5</p>	<p>• استراتژی SO</p> <p>• تأسیس مرکز آموزشی، مهارتی و جذب زنان واجد شرایط امدادگری فرهنگی S1-2-3-4-5-6-7-O1</p> <p>• جهت‌دهی تخصصی به برخی از طلاب علاقه‌مند به ایفای نقش امدادگری فرهنگی S5-S6-S7-O2</p> <p>• رونق‌بخشی و هدفمندی تجمعات و جلسات زانه S6-O5</p> <p>• تمرکز بر فضای مجازی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مجاری اثرگذاری بر زنان S1-5-6-O5</p> <p>• تعیین جایگاه، هم‌افزایی و مشارکت با مددکاران اجتماعی در حل مسائل اجتماعی S6-7-O3-4</p> <p>• تشکیل تیم‌های تخصصی و تمرکز بر حل یکی از آسیب‌های اجتماعی مثل طلاق S5-7-O3</p>			
<p>• استراتژی WT</p> <p>• دانش و مهارت‌افزایی در برقراری توازن و تعادل میان خانواده و حرفه T2-7-W2</p> <p>• اجرای برنامه‌های توجیهی و آموزشی جهت هم‌راه‌سازی خانواده‌های زنان امدادگر فرهنگی W2-W5-T6</p> <p>• ارائه خدمات در محیط‌های کنترل‌شده و پیشگیری از قرار گرفتن در موقعیت‌های حساس و خطرآفرین W5-6-T1-2-3</p> <p>• عدم اعزام بخش ضعیف امدادگر به مکان‌های خاص W4-5-6-T1-2-3</p> <p>• فعالیت‌نکردن در زمینه‌های خطرآفرین W5-6-T1</p>	<p>• استراتژی ST</p> <p>• ایفای نقش‌های همسو با امدادگری فرهنگی S2-4-6-T4-5-6</p> <p>• ارائه خدمات همسو با اهداف امداد فرهنگی مثل مقرهای کتاب، کافه کتاب S6-7-T1-2-3</p>			

۵. نتیجه گیری

تحلیل و تفسیر داده‌های به‌دست‌آمده در مورد امدادگری زنان شرحی واقع‌بینانه از وضعیت فعلی ایشان در این عرصه ارائه می‌دهد. زنان با نقاط قوتی همچون ویژگی‌های جنسیتی متناسب با امدادگری و فراغ‌بال اقتصادی، از امتیاز ویژه‌ای جهت ایفای این نقش بهره‌مند هستند. از سوی دیگر، برخی فقدان‌ها و ضعف‌ها همچون ضعف‌گفتمانی و چالش در مدیریت احساسات، آنان را با ضعف و تردید مواجه ساخته و البته مسیر راهبردهای بازنگری را پیش روی ایشان می‌گشاید. همسانی میان ویژگی‌های امدادگری زنان و ماهیت امداد، همراه با فعالیت در محیط‌های متعدد و متنوع، نقش موثری از ایشان بر جای گزارده که ارزیابی‌های مثبت و عطف توجهات و تأملات را در پی داشته‌است. همگی این موارد فرصت‌های بی‌بدیلی را در حال حاضر در اختیار زنان قرار می‌دهد که سرعت ایشان در دستیابی به اهداف را شتاب دیگری می‌بخشد. از سوی دیگر، محدودیت‌های خانوادگی، ساختاری و فرهنگی به‌علاوه تمام آسیب‌های احتمالی، حرکت وی را پر فرازونشیب نموده و بعضاً از توان روحی و جسمی وی می‌کاهد. در پیش گرفتن راهبردهای بازنگری، تدافعی، تهاجمی و تنوعی، به اقتضای شرایط و امکانات، به پیشبرد اهداف امداد و رشد زنان در این میدان کمک قابل توجهی می‌کند.

۱۴۵

با پیوند میان امداد فرهنگی و ظرفیت زنان، پاسخگویی به چند نیاز اتفاق می‌افتد. از یک سو به نیاز عرصه آسیب‌های اجتماعی و امداد پاسخ مثبت می‌دهد و آن را از ظرفیت قابل‌ملاحظه‌ای بهره‌مند می‌گرداند و از سوی دیگر، به میل و درخواست برخی از زنان مستعد کنشگری توجه شده و دریچه‌های عرصه دیگری پیش روی مشارکت ایشان گشوده می‌شود.

هدف از انجام این بررسی و تحلیل رسیدن به راهبردهایی جهت ارتقای حضور و اثربخشی هرچه بیشتر عملکرد زنان در جریان امداد فرهنگی بوده‌است که در واقع وجه تمایز این اثر با سایر پژوهش‌هایی است که در عرصه خدمات اجتماعی صورت گرفته‌است. همچنین راهبردهای پیشنهادی، مبتنی بر یک مدل تحلیلی راهبردی است که در برنامه‌ریزی‌های کلان سازمانی بسیار پرکاربرد می‌باشد.

نکته حائز اهمیت آن است که امکان اجرای تمامی این راهبردها، بنا به دلایلی همچون محدودیت‌های زمانی و بودجه‌ای وجود نداشته و لازم است تا در نوشتاری مجزا، از طریق جدول برنامه‌ریزی استراتژیک کمی «کیو اس پی ام» که اقتضات خاص خود را دارد، در مورد آن‌ها

ارزش گذاری و اولویت بندی صورت گیرد. در این پژوهش، تنها به ارائه نقاط مذکور و راهبردهای پیشنهادی، فارغ از ارزش گذاری و اولویت بندی اکتفا شده است.

منابع

۱. بستان، حسین، ۱۳۸۵، بازنگری نظریه های نقش جنسیتی، پژوهش زنان، دوره ۴، شماره ۱ و ۲، ص ۳۱-۵
۲. بستان، حسین، ۱۳۹۹، *جامعه شناسی جنسیت با رویکردی اسلامی*، قم، نشر هاجر.
۳. براندن، ناتانیل، ۱۳۸۶، *سلسله راهنمایی برای خودباوری زنان*، تهران، سازمان فرهنگی فرا.
۴. خاکساری، محمدحسن، ۱۳۷۲، *مبانی مددکاری اجتماعی*، تهران، سازمان بهزیستی کشور.
۵. سام آرام، عزت الله، و فاطمه یزدان پور، ۱۳۹۱، *مبانی مددکاری اجتماعی*، چاپ اول، تهران، نشر علم.
۶. ساروخانی، باقر، ۱۳۷۰، *دائرة المعارف علوم اجتماعی*، تهران، انتشارات کیهان.
۷. شایسته، مهدی، ۱۳۹۴، ارزیابی سیاست گذاری های صدور انقلاب اسلامی ایران از منظر ماتریس سوات SWOT، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، شماره ۱۷، صفحه ۷۵-۹۳
۸. فرمانفرمایان، ستاره، و فهیمه کیانی فرد، ۱۳۸۶، *پیشگامان مددکاری اجتماعی در ایران*، تهران، نشر تاریخ ایران.
۹. فرجاد، محمدحسین، ۱۳۸۸، *مبانی مددکاری اجتماعی*، تهران، نشر علم.
۱۰. قندی، محسن، ۱۳۹۱، *مددکاری اجتماعی*، ویراست دوم، تهران، عطایی.
۱۱. گرت، استفانی، ۱۳۷۹، *جامعه شناسی جنسیت*، مترجم: کتابون بقایی، تهران، نشر دیگر، چاپ اول.
۱۲. مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳. ه. ق، *بحار الانوار*، ج ۱۰۳، مؤسسه الوفاء.
۱۳. مولایی آرانی، مهدی، ۱۴۰۲، *درآمدی بر مفهوم شناسی و مروری بر تجربیات*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۱۴. مولایی آرانی، مهدی، و سید محمد کاظمی قهفرخی، ۱۴۰۱، *امداد فرهنگی الگویی برای مواجهه با آسیب های اجتماعی*، دو فصلنامه علمی پژوهشی دین و سیاست فرهنگی، دوره ۹، شماره ۲، ص ۱۴۳۱۶۶.
۱۵. هانگر، جی دیوید، و توماس ال. وین، ۱۳۸۴، *مبانی مدیریت استراتژیک*، ترجمه دکتر سید محمد اعرابی و داوود ایزدی، انتشارات دفتر پژوهش های فرهنگی.
16. Kammeyer, K. C. W., et. Al, 1989, *Sociology*, Boston and London, Allyn and Bacon.
17. Sowers-Hoag, K. M., & Harrison, D. F, 1991, Women in social work education, Progress or promise?. *Journal of Social Work Education*, 27(3), 320-328.
18. Walton, R. G, 2022, *Women in social work*, Routledge.